



# انترناسیونال

## ۸۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۲۲ آوریل ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

یا سوسیالیسم یا بربریت!

اطلاعیه حزب در باره اول مه

صفحه ۵

"نه" به جمهوری اسلامی، "نه" به قوم پرستی! اطلاعیه مراسم یادبود منصور حکمت

اطلاعیه حزب در باره اتفاقات خوزستان

آذر ماجدی

صفحه ۵

صفحه ۷

## بزرگترین تظاهرات علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولت سوئد



مینا احدی

صبح امروز پنجشنبه ۲۱ آوریل سیاست های پناهندگی دولت مرکز شهر استکهلم در سوئد شاهد تظاهرات بزرگی علیه سوئد بود. از طرف فدراسیون

صفحه ۸



ستون اول

محسن ابراهیمی

## اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی قرارهای دفتر سیاسی

صفحه ۶

## اعتراض انسانی، ارتجاع ناسیونالیستی!

در حاشیه اتفاقات خوزستان

## دولت قومی-مذهبی

### زمینه ساز کشمکشها و تخاصمات حادثه در عراق!

در حاشیه انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر دولت موقت عراق

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲



تظاهرات حزب کمونیست کارگری

در مقابل کنفرانس جمهوری اسلامی و دولت آلمان صفحه ۸

به رفقای کارگر در ماشین سازی اراک

اقدام شورای اسلامی را محکوم کنید!

و طومار کارگران کاشان برای حداقل دستمزد

۴۵۰ هزار تومان را امضا کنید!

صفحه ۵

اصغر کریمی

محاکمه سران رژیم اسلامی

و جلوگیری از غارت اموال مردم

صفحه ۷

قرار دفتر سیاسی

اعتراضات مردم در خوزستان بدون تردید یکی دیگر از صحنه های نبرد میان مردم و جمهوری اسلامی است. این خشم فروخورده ۲۶ ساله مردم محروم است که علیه بانیان فقر و بیحقوقیشان شعله ور میشود. این اعتراضی است علیه فقر دهشتناک، علیه بیحقوقی سیاسی، علیه اختناق فرهنگی، و در يك کلام علیه حکومت اسلامی و برای رهایی از اسارت این رژیم. این شورشی است در کنار دهها و دهها اعتراضات وسیع که در سالهای گذشته با کوچکترین بهانه ها علیه حکومت اسلامی راه افتاده است. این اعتراضی است در کنار مبارزه مردم خاتون آباد و کارگران نساجی سنندج و زحمتکشان ایذه و فریدون کنار. این اعتراضی است در کنار اعتراض دختران و پسرانی که هم با برد و هم با باخت تیم ایران استادیوم ورزشی را روی سررژیم خراب میکنند، هم در شام غریبان و هم در چهارشنبه سوری علیه رژیم فستیوال اعتراضی راه می اندازند... این حلقه ای

صفحه ۴

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!



# دولت قومی-مذهبی: زمینه ساز کشمکشها و تخصصات حادثه در عراق!

در حاشیه انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر دولت موقت عراق

مصاحبه با حمید تقوایی

به این معنا ناسیونالیسم کرد از مقطع جنگ اول خلیج و بقدرت رسیدن در منطقه کردستان عراق تحت پوشش هوایی نیروهای غرب، به مشروطه اش رسیده بود و نه مساله ملی داشت و نه ستم ملی برایش مطرح بود. بویژه امروز که رهبر اتحادیه میهنی به ریاست جمهوری کل عراق رسیده دیگر بورژوازی کرد مساله ای با حکومت مرکزی ندارد. اما حتی همین راه حل مساله ملی نیز با دوام نیست. روی کار آمدن آقای طالبانی محصول سازشها و معاملاتی است که هر آن ممکن است بهم بخورد و تنها بعنوان یک پیروزی گذرا و کوتاه مدت در کارنامه ناسیونالیسم کرد قابل رجوع باشد و بس. این کاملاً محتمل است که مساله ملی کرد

دوباره در ابعاد وسیعتری در عراق عود کند. بویژه باید توجه داشت که در دهساله اخیر نفرت ملی بین بورژوازی کرد و عرب، اساساً بخاطر عملکرد نیروهای ناسیونالیست کرد بعنوان زائده نظامی آمریکا و غرب، بمراتب تشدید شده است و این باروتی است که با اندک بهم خوردن توازن شکننده فعلی میان نیروهای قومی مذهبی مسلح در عراق میتواند منفجر شود. در یک سطح کلی و پایه ای تر میتوان گفت این موقعیت انفجاری ناسیونالیسمهای بومی در تحولات منطقه ای به یک روند عمومی در دنیای امروز بدل شده است. کنه مساله اینجاست که مساله ملی و ستم ملی در دوره نظم نوین جهانی ابعاد و مضمون سیاسی متفاوتی از حالت کلاسیک رابطه ملت‌های فرودست و بالا دست پیدا کرده است. حقوق اقلیتهای ملی یک مفهوم مدنی است و وجود جامعه مدنی مبتنی بر حقوق مساوی همه شهروندان پیش فرض آنست. وقتی قرار باشد مدنیت در کل نفی شود و نفس ملیت و قومیت مبنای تعریف جامعه قرار بگیرد آنوقت نه رفع و از بین بردن تفاوتها و تبعیضات قومی و ملی و مذهبی بلکه برجسته کردن

در مقابل شورشیان بعثی و تخصص اش منهدم خواهد شد و تا زمانی هم که ارتش آمریکا در عراق هست مقاومت و مقابله نظامی نیروهای بعثی و اسلامی علیه آمریکا و دولت دست نشانده اش ادامه خواهد داشت و در هر صورت سخنی از ثبات و عادیسازی و متعارف شدن جامعه نمیتواند در میان باشد. دولت موقت نیز عیناً مانند هجوم نظامی و حضور ارتش آمریکا، راه حل مساله جامعه عراق نیست، بلکه خود بخشی از مساله مردم و موجود و تشدید کننده سناریوی سیاهی است که زندگی مردم این کشور را در چنگال خود میفشارد.

**محسن ابراهیمی: مردم کردستان تحت شدیدترین ستمها بوده اند. شهروند درجه چندم محسوب شده اند و حتی از بیحقوق ترین بخش مردم در یک کشور تحت نظام دیکتاتوری سرمایه داری محرومتر بوده اند. ادعا میشود که رئیس جمهور شدن یک رهبر جنش ملی کردستان هم ستم ملی و هم مسئله ملی در عراق را حل خواهد کرد. شما چه نظری دارید؟**

**حمید تقوایی:** ریاست جمهوری یک رهبر ناسیونالیست کرد در دولت موقتی که آمریکا سر هم کرده است ربطی به مساله ستم ملی ندارد. ستم ملی را با برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان میتوان به معنای واقعی بر طرف کرد. در جامعه امروز عراق نه تنها این حقوق برسمیت شناخته نشده، بلکه حقوق شهروندی همه شهروندان از کرد و عرب زیر پا گذاشته شده است و فعلاً نه عملاً دولتی وجود دارد و نه جامعه متعارف و مدنی ای که اصولاً بتوان از رفع ستم ملی بر اقلیتها سخنی بمیان آورد. البته بین مساله ملی و ستم ملی باید تفاوت قائل شد. از نقطه نظر بورژوازی ملت فرودست، مساله ملی با شریک شدن در قلدت سیاسی حل میشود و

عمومی جهانی این اصل پذیرفته شده که جامعه مجموعه ای از همه شهروندان متساوی الحقوق است و همه اعضای آن صرف نظر از مذهب و قومیت و نژاد و جنسیت باید حقوق برابر داشته باشند. اما امروز، در دوره افسار گسیختگی سرمایه داری بازار آزاد پس از ختم جنگ سرد، این اصل بدیهی هم از لحاظ نظری و هم در پراتیک سیاسی از جانب دولت‌ها و فرهنگ و فلسفه سیاسی رسمی غرب کنار گذاشته شده و مذهب و نژاد و قومیت به بستر اصلی سیاست و مبنای تعریف جوامع و دولت‌ها بدل شده است. حتی در خود جوامع غربی هم در سیاست و فرهنگ رسمی هویت انسانی افراد جامعه را تحت الشعاع مذهب و نژاد و ملیت آنها قرار میدهند. این نگرش و نحوه برخورد به جامعه و دولت پایه نظم نوین جهانی است که آمریکا برای تثبیت سلطه خود در دنیای پس از شوروی پرچمش را بدست گرفته و اساس سیاست خارجی خود بویژه در خاورمیانه قرار داده است. در اروپای شرقی، در آفریقا، در جمهوری های سابق شوروی، و در افغانستان ما شاهد این نقش برجسته مذهب و نژاد و قومیت در تحولات سیاسی بوده ایم و بویژه آنچه امروز در عراق میگذرد حاصل و نتیجه اجتناب ناپذیر این سیاست است. دولت ملی-مذهبی که در عراق روی کار آورده اند هم حاصل کشمکشها و تنشهای قومی مذهبی در عراق است و هم خود زمینه ساز تنشها و کشمکشهای حادثی در آینده خواهد بود. سازش و ائتلاف فعلی مقدمه ایست برای سهم خواهی بیشتر هر یک از فرقه های قومی و مذهبی که در دولت موقت شرکت داده شده و یا از قدرت بیرون گذاشته شده اند. حضور نظامی آمریکا در عراق هم چسب ائتلاف دولت موقت است و هم زمینه ساز تجزیه و انهدام آن. بدون حضور نظامی آمریکا این دولت توان حفظ خود را ندارد و به سرعت

نیروهای آمریکائی در قتل و کشتار مردم و ایجاد شرایط سیاهی که تمام عراق را در بر گرفته مستقیماً نقش داشته اند. رابطه بین خود این نیروها با یکدیگر نیز کاملاً رقابت آمیز و خصمانه است. بعد از سقوط صدام کینه و نفرت و تخصص تاریخی میان ناسیونالیسم کرد و عرب از یکسو و نیروهای سنی و شیعه از سوی دیگر حدت و شدت بیشتری پیدا کرده است. این نیروها امروز در سیاست میداندار شده اند و بعنوان نمایندگان مذهب و قوم و قبیله خود در دولت حضور یافته اند. دولت موقت حاصل یک تعادل کاملاً ناپایدار بین این نیروهای قومی-مذهبی است و لذا نه تنها نمیتواند در شرایط نابسامان و آشفته امروز عراق بهبودی بوجود بیاورد بلکه بی شک خود عامل و منشا تنشها و انفجارهای بعدی خواهد بود.

**محسن ابراهیمی: دولت آمریکا ادعا میکند با ترکیب قومی و مذهبی سران دولت، در حقیقت همه اقشار جامعه در حکومت نمایندگی میشوند و تنشهای قومی و مذهبی کاهش می یابد و همه اینها به پی ریزی دموکراسی کمک میکنند. پاسخ شما به این ادعا چیست؟ آیا سازش و ائتلاف میان نیروهای قومی و مذهبی در دولت موقت عاملی در جهت تنش زدائی و آرام کردن جامعه و رفتن بطرف یک جامعه متعارف نیست؟**

**حمید تقوایی:** جامعه جنگلی از اقوام و مذاهب مختلف نیست که با ایجاد توازنی میان آنها آرام و متعارف بشود. بشریت قرن‌هاست دوره قرون وسطی و جوامع کاستی و ملوک الطوائفی و مذهبی-قبیله ای این دوران سیاه تاریخ خود را پشت سر گذاشته است. جامعه دوران ما، جامعه مدنی است که با نقد و نفی تقسیم بندیهای قومی و مذهبی و ایلات و عشایری در جوامع فئودالی بوجود آمده است. مدتهاست در فرهنگ سیاسی دنیا و در افکار

**محسن ابراهیمی:** بعد از ملت‌ها معامله پشت پرده، دولت آمریکا و جریان‌ات اسلامی و قومی درگیر در اوضاع عراق بر سر رئیس جمهور و نخست وزیر توافق کرده اند. ابراهیم جعفری، از حزب الدعوة به پست نخست وزیری و جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان به پست ریاست جمهوری گمارده شده اند. آمریکا این اتفاق را به عنوان پیروزی طرح صدور دموکراسی به کشورهای خاورمیانه در بوق و بوق کرده است. میگویند این نشان از موفقیت طرح خاورمیانه بزرگ است. میگویند لشکرکشی آمریکا دارد بار میدهد. نظرتان در این مورد این ادعا چیست؟

**حمید تقوایی:** اتفاقات عراق را میتوان نشان موفقیت "طرح صدور دموکراسی" دانست، اما مساله اینست که این دموکراسی هیچ ربطی به آزادی و رهائی مردم عراق ندارد. دیروز همین دولت‌ها و رسانه های بورژوازی غرب حکومت امثال پینوشه و پاپادوک و دیگر دیکتاتورهای طرفدار خود را دموکراسی مینامیدند و امروز به دولت‌های قومی-مذهبی افغانستان و عراق دموکراسی اطلاق میشود. نفی هویت انسانی و حقوق شهروندان و سازمان‌دادن جامعه و دولت بر مبنای مذهب و قومیت اساس دموکراسی مورد نظر غرب در دوره پس از جنگ سرد است و امروز عراق جامعه ایست که خصلت عمیقاً ارتجاعی و ضد انسانی این دموکراسی را به عیان به همگان نشان میدهد. دولتی که در عراق سر هم کرده اند بر اساس یک سازش و موازنه موقت بین نیروهای کرد و سنی و شیعه شکل گرفته است. اتحادیه میهنی، حزب الدعوة و شورای عالی انقلاب اسلامی که رهبران آن ریاست جمهوری و نخست وزیری و ریاست مجلس و معاونت رئیس جمهور و دیگر مقامات بالای دولتی را میان خود تقسیم کرده اند همگی تا دندان مسلحند، و به‌همراه



و حصار ملی و کشوری ساختن از آنها به هدف و آرمان سیاسی ناسیونالیستها تبدیل میشود. این تحولی است که در یوگسلاوی و چکسلواکی و گرجستان و قرقیزستان و چینیا و غیره و غیره اتفاق افتاد و امروز هم در عراق در حال جریان است. بیجهت نیست که بخشی از هیات حاکمه و استراتژیستهای سیاسی آمریکا از جمله آقای هنری کیسینجر تجزیه عراق به سه کشور سنی و شیعی و کرد را راه نهائی مساله عراق میدانند. وضعیت امروز جامعه عراق، هم با توجه به شرایط جهانی و هم معادلات منطقه ای، به سمت تجزیه حرکت میکند و نه وحدت اقلیتهای ملی و قومی و مذهبی با یکدیگر.

**محسن ابراهیمی:** در شرایط حاضر و با توجه به همین معاملات سیاسی در شکل دادن به یک حکومت قومی و مذهبی در عراق، در مورد کردستان عراق چه فکر میکنید؟ مانند در چهارچوب عراق یا استقلال؟ کدام به نفع حقوق انسانی مردم کردستان است؟ کدام یک راه رسیدن مردم کردستان به حقوق شهروندی و رفع ستم ملی این مردم است؟

**حمید تقوایی:** ما در دوره بعد از جنگ اول خلیج، دوره ای که همین نیروهای ناسیونالیست کرد تحت محافظت نیروی هوایی آمریکا و متحدینش در کردستان عراق به حاکمیت رسیده بودند، جدائی را راه رهایی مردم کردستان میدانستیم و توصیه میکردیم. به نظر من امروز هم جدائی راه کوتاه تر و کم مشقت تری برای رسیدن به یک جامعه مدنی در کردستان است. در کل عراق شیرازه جامعه از هم گسیخته است و هرج و مرج و نا امنی و بیحقوقی بیداد میکند، در این میان بورژوازی کرد نیز بعنوان عاملی در ایجاد این شرایط نقش برجسته ای بعهده گرفته است. پیشمرگ کرد که سنتا نیروی جنگ چریکی علیه دولت مرکزی و برای احقاق حق ملی بود امروز در بغداد نقش میلشای رئیس جمهور در برابر نیروهای سنی-بعثی مخالف آمریکا و وزنه توازن نظامی با نیروهای مسلح شیعه شریک در حکومت را بعهده گرفته است. این

وضعیت همانطور که در بالا اشاره کردم قابل دوام نیست و میتواند زمینه ساز تنشها و جنگهای به مراتب شدید تر قومی در آینده ای نزدیک باشد. کارگران و مردم زحمتکش کردستان عراق محکوم به چنین سرنوشتی نیستند.

راه حل مردم عراق برای برون رفت از این وضعیت مبارزه برای یک جامعه مدنی و دولت سکولار و غیر قومی و غیر مذهبی است و راه مردم در کردستان عراق هم همین است. ولی آنها میتوانند با جدائی به شیوه سریعتر و با مشقت کمتری به این هدف برسند. جدائی راه حلی است که مساله ملی ظرف و امکان آنرا تاریحا بوجود آورده است و پرولتاریا و مردم زحمتکش در کردستان میتوانند و باید از این ظرفیت استفاده کنند. راه حل ما کمونیستها برای مساله ملی روشن است: همزیستی با ملل دیگر بعنوان شهروندان متساوی الحقوق و یا جدائی. در مورد کردستان عراق راه حل اول منتفی است. در عراق امروز اصولا جامعه مدنی وجود خارجی ندارد، و در چشم انداز نزدیک هم قرار ندارد، که بتوان در آن از شهروندان متساوی الحقوق سخن گفت. بنابر این سریع ترین و کم مشقت ترین راه برای کارگران و زحمتکشانشان در کردستان عراق جدائی از این کشور و سازمان دادن یک جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی است. این شرایط را برای رهایی و آزادی کل جامعه عراق نیز تسهیل میکند. این راه حل ربطی به راه حل سنتی بورژوازی کرد و حتی مساله ملی به معنی سنتی و کلاسیک آن ندارد. این راه حل پرولتاریای کرد برای خلاصی از سناریوی سیاه و رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و سوسیالیستی در کردستان عراق است. به جز امکان و ظرف تاریخی که مساله ملی کرد بوجود آورده، هیچ عنصر و عامل ویژه ملی و یا کردی در این راه حل نیست. به یک معنا این راه حلی است در مقابل بورژوازی کرد که خود در شرایط امروز به یک عامل شکل دهنده به سناریوی سیاه تبدیل شده است.

**محسن ابراهیمی:** میدانیم که دولت جمهوری اسلامی دار و دسته خودش را در عراق دارد که اساسا در مجلس اعلی انقلاب اسلامی جمع

شده اند. با این وجود خاتمی و محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت تبریکات صمیمانه تشار جلال طالبانی کرده اند. منافع زمینی و واقعی جمهوری اسلامی که در این اظهار خوشحالی سیاسی ابراز میشود چه ها هستند؟ **حمید تقوایی:** جمهوری اسلامی ریاست جمهوری طالبانی را به معنای دست شستن اتحادیه میهنی و کلا ناسیونالیسم کرد از شعار استقلال و خودمختاری میداند و ازینرو آنرا تحول مثبتی ارزیابی میکند. عدم شرکت کردها در حکومت بالقوه نمیتوانست طرح مساله خود مختاری و یا استقلال کردستان عراق را بدنبال داشته باشد و برای جمهوری اسلامی در رابطه با کردستان در ایران مساله ساز باشد. دولت ترکیه هم دقیقا به همین دلیل از ریاست جمهوری طالبانی استقبال کرد. بعلاوه طالبانی با جمهوری اسلامی از مدتها قبل روابط نزدیک و دوستانه ای داشته است و در دوره پس از جنگ اول خلیج و روی کار آمدن در کردستان عراق نیز همکاری های نزدیکی با نیروهای نظامی رژیم اسلامی علیه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در منطقه داشته است. طبعاً انتصاب چنین فردی، در مقایسه با شخصیتهای ناشناخته و بی رابطه با حکومت ایران که نمیتوانستند به ریاست جمهوری عراق برسند از جانب حکومت اسلامی در ایران بقال نیک گرفته میشود.

یک دلیل دیگر ابراز خرسندی جمهوری اسلامی البته نقش نیروهای شیعه در دولت موقت است. گرچه ناسیونالیستهای کرد پست ریاست جمهوری را اشغال کرده اند اما نخست وزیر که نقش برجسته تر و مهم تری دارد از شیعیان انتخاب شده و بنابر این "اسلامیت" رژیم عراق تا حد زیادی تامین شده است. بالاخره باید به این فاکتور هم اشاره کرد که تأیید حکومت موقت بعنوان نوعی مانور دیپلماتیک و زدن چراغ سبز به آمریکا میتواند مزایای ویژه ای برای جمهوری اسلامی در بر داشته باشد. در انتخابات ماه ژانویه عراق نیز جمهوری اسلامی در شهرهای ایران صندوق انتخابات گذاشت و در واقع مشروعیت دولت موقت را از پیش قبول کرد. ظاهرا جمهوری اسلامی امیدوارست با این

نوع موضعگیریها فشار آمریکا بر سر مساله سلاحهای اتمی و تهدید رژیم چنچ را تخفیف بدهد و منتفی کند.

**محسن ابراهیمی:** به برخی از نیروهای اپوزیسیون در ایران هم احساس شعف دست داده است و گماردن جلال طالبانی به پست ریاست جمهوری را به نفع اوضاع سیاسی ایران تلقی کرده اند. در طیف راست امید قدرت گیری توسط دخالت آمریکا دو باره گل کرده است و در طیف "چپ"، هیئت سیاسی-اجرائی سازمان اکثریت این واقعه را "توسید بخش استقرار حاکمیت مبتنی بر تفاهم ملی و دموکراسی در عراق" نامیده است. چه زمینه مشترکی منجر به این تبریکات صمیمانه از طرف سران حکومت و اظهار شعف از طرف سران اپوزیسیون راست و "چپ" شده است؟

**حمید تقوایی:** هم جمهوری اسلامی و هم اپوزیسیون ملی-مذهبی و سلطنت-جمهوریخواه آن، که نیروهای چپ مورد اشاره شما را هم تماما در بر میگردد، سیاستها و موضعگیریهایشان را در چارچوب روندهای سیاسی ملی-قومی-مذهبی حاکم بر دنیای امروز تعیین و اتخاذ میکنند. همه این نیروها، چه در کنار آمریکا و غرب و چه در مقابل آن، چه در حکومت و چه در اپوزیسیون، در تحلیل نهائی در کمپ بورژوازی جهانی قرار میگیرند و تلاش میکنند تا با اتکا به مذهب و قومیت و ملیت وزن بیشتری در این کمپ و در سیاست منطقه ای و سراسری بورژوازی جهانی پیدا کنند. جمهوری اسلامی در پی تثبیت موقعیت خود در عرصه بین المللی است و اپوزیسیون راست آن به سناریوهای انقلاب مخملی و رژیم چنچ آمریکا برای رسیدن بقدرت امید بسته است. جمهوری اسلامی در تحولات عراق امکان رشد نفوذ خود در منطقه و رسیدن به یک نقطه سازش قابل قبول با آمریکا را میبیند و اپوزیسیون ملی-مذهبی و سلطنت-جمهوریخواه آن امکان سهیم شدن در قدرت سیاسی را.

وقتی سازمانی مثل اکثریت از "حاکمیت ملی" و "دموکراسی" صحبت میکند منظورش معنای قومی-مذهبی امروزی این

اصطلاحات است. مدتهاست این نیروها طرح فدرالیسم و فدرالی کردن جامعه ایران را بعنوان یک راه حل دموکراتیک برای اداره جامعه ایران مطرح میکنند. و این در واقع نسخه ای برای از هم پاشاندن جامعه ایران بر اساس تفاوتها و شکافها و تعصبات ملی و قومی است. معنای زمینی و واقعی دموکراسی و تفاهم ملی مورد نظر این نیروها را همین امروز در جامعه از هم گسیخته عراق میبینیم و همین خواب را دارند برای فردای ایران میبینند. امیدوارند با اتکا بر فشارها و دخالتهای آمریکا راهی برای رسیدن بقدرت سیاسی پیدا کنند و مانند طالبانی به "دموکراسی" و "حاکمیت ملی" شان برسند. اما این سناریو در ایران قابل پیاده شدن نیست. ۲۵ سال حاکمیت جمهوری اسلامی و رشد جنبش سرنگونی با تمایلات قوی چپ و آزادیخواهانه و برابری طلبانه در مقابل آن، جای جدائی برای این نوع سناریوهای ملی-مذهبی باقی نگذاشته است. این فرق اساسی اوضاع سیاسی ایران با جوامعی نظیر عراق و افغانستان است.

**محسن ابراهیمی:** با توجه به همه این تحولات، موقعیت سکولاریسم عموما و جنبش کمونیسم کارگری مشخصا چگونه خواهد بود؟

**حمید تقوایی:** مساله محوری و عاجل مردم عراق خلاصی از وضعیت آشفته و سیاه امروز و استقرار یک حکومت غیر قومی و غیر مذهبی در عراق است و نیروی رسیدن به این هدف تنها جنبش کمونیسم کارگری است. در عراق امروز هیچ حزب و نیروی سیاسی محلی و بین المللی دیگری نه میخواهد و نه قادر است که یک جامعه و دولت سکولار و مدنی را سازمان بدهد و مستقر کند. تنها نیروی میتواند حتی حداقلی از امنیت و رفاه و شرایط متعارف یک جامعه مدنی را در عراق متحقق کند که در برابر نظم نوین جهانی و نیروهای تروریسم دولتی و تروریسم مذهبی و قومی آن بایستد و بقول منصور حکمت جهان متمدن را در برابر این دو قطب تروریسم جهانی نمایندگی کند. این نیرو تنها و تنها کمونیسم کارگری است. نیروهای

از صفحه ۱

## ستون اول

است از زنجیره تلاش و مبارزه روزمره مردم ایران برای رهایی از شر حکومت اسلامی.

هم حکومت اسلامی و هم دسته های ناسیونال-شونیستی در اپوزیسیون بشدت تلاش کردند که به این اعتراض رنگ قومی و ملی و مذهبی بزنند. دم گرفتند که در ادامه انتشار نامه منتسب به ابطی معاون سابق خاتمی که در آن از تغییر ترکیب جمعیت خوزستان به ضرر عرب زبانها صحبت شده است، اعراب و فارسها در مقابل هم قرار گرفته اند و در حقیقت تلاش کردند که این اتفاق بیافتد. تلاش کردند اعتراضات مردم که از محلات فقیر نشین خشایار و کوت عبدالله و شیلنگ آباد اهواز به کمبود آب و نبود برق شروع شده بود را به خشم و اختلاف قومی تبدیل کنند. چگونه و چرا؟

جمهوری اسلامی از یکطرف با بیرحمی تمام لشکر اسلامی اش را برای سرکوب مردم خوزستان فرستاد و از طرفی به شیپور "هویت شیعی عربهای خوزستان" دمید. معلوم شد که "مردم این استان دروازه ورود اسلام و شیعه به کشور هستند" (خامنه ای). معلوم شد که "اعراب خوزستان در دفاع از انقلاب، اسلام، روحانیت، سادات، شیعه و کشور دارای ویژگیهای برجسته، ممتاز و بی بدیل در مقایسه با سایر اقوام ایرانی هستند". معلوم شد که "نخستین شهدای جنگ شهدای عرب بوده اند". که "اعراب نه منافق دارند و نه ضد انقلاب، اعراب خوزستان دست از شیعه گری بر نمیدارند و علیه حکومتی که شیعه است تحریک نمیکنند". (شمخانی وزیر دفاع و یا به قول رادیو فردا وزیر دفاع عرب

جمهوری اسلامی از یکطرف با بیرحمی تمام لشکر اسلامی اش را برای سرکوب مردم خوزستان فرستاد و از طرفی به شیپور "هویت شیعی عربهای خوزستان" دمید. معلوم شد که "مردم این استان دروازه ورود اسلام و شیعه به کشور هستند" (خامنه ای). معلوم شد که "اعراب خوزستان در دفاع از انقلاب، اسلام، روحانیت، سادات، شیعه و کشور دارای ویژگیهای برجسته، ممتاز و بی بدیل در مقایسه با سایر اقوام ایرانی هستند". معلوم شد که "نخستین شهدای جنگ شهدای عرب بوده اند". که "اعراب نه منافق دارند و نه ضد انقلاب، اعراب خوزستان دست از شیعه گری بر نمیدارند و علیه حکومتی که شیعه است تحریک نمیکنند". (شمخانی وزیر دفاع و یا به قول رادیو فردا وزیر دفاع عرب

از صفحه ۳

## مصاحبه با حمید تقوایی

ملی مذهبی موافق و یا مخالف آمریکا در عراق خود جزئی از ماتریال و عوامل ایجاد کننده و دامن زنده به شرایط سناریوی سیاه هستند و راه خلاصی از این شرایط از مقابله با این نیروها میگذرد. تنها سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی میتواند یک نظام سکولار و مدنی و غیر قومی و غیر مذهبی را در عراق مستقر کند و این حقیقتی است که مردم عراق در تجربه هر روزه خود بیش از پیش لمس میکنند. تجربه هرروزه به کارگران و مردم عراق بروشنی نشان میدهد که اولین قدم در راه آزادی مردم عراق، همانطور که حزب کمونیست کارگری چپ عراق اعلام داشته، خروج نیروهای نظامی

مردم معترض علیه نظام اسلامی است. اینکه جمهوری اسلامی و

دسته هایی در اپوزیسیون درست در لحظاتی که تقابل مردم با این نظام عمیقتر و وسیعتر میشود میخواهند این مسیر را منحرف کنند. میخواهند تقابل مردم با جمهوری اسلامی را به تقابل و کشمکش اقوام تبدیل کنند. و دقیقا یک زمینه مشترک است که اینها را به این جهت گیری مشترک در مقابل اعتراضات مردم سوق میدهد: این زمینه مشترک نگرانی عمیق هم جمهوری اسلامی و هم این دسته های ناسیونالیست و شونیست در اپوزیسیون از انقلاب مردم علیه حکومت اسلامی و برای جامعه بی تبعیض است. جمهوری اسلامی که خود هدف چنین انقلابی است و معلوم است که باید در مقابلش بایستد. دسته های ناسیونال-شونیستی هم خوب میدانند که در یک مبارزه سراسر مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و به خاطر حقوق انسانی بشدت ضرر خواهند کرد. میدانند که از کلاه چنین مبارزه ای برای قوم پرستان نمیگذرد. میدانند که مبارزه مردم برای حقوق شهروندی همه انسانها جایی برای سلبحشوران قوم پرست این اپوزیسیون باقی نمیگذارد. میدانند که رویای مجلس شدن به کلاه و شنل ملی اجداد و تبدیل شدن به جنگ سالاران ملی، تبدیل شدن به آرکان ها و اصلاز مسقط اوف ها در چنین شرایطی دود میشود و به هوا میروند. میدانند که در چنین شرایطی به جای تبدیل شدن به رهبران خودگمارده دسته های مسلح قومی باید بنشینند و مگس بپرانند. میدانند که هر چقدر محتوای مبارزه مردم با جمهوری اسلامی علیه بیحقوقی و برای حقوق انسانی باشد همانقدر میدان برای

هویت ملی و قومی و مذهبی ساختن برای انسانها بی معنا میشود.

جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت مذهبی سرمایه ۲۶ سال است که یک تبعیض تمام عیار بر مردم ایران تحمیل کرده است. تقسیم مردم به هیئتهای جنسی، مذهبی، ملی، قومی و انکار هویت انسانی مردم یکی از شناخته شده ترین و شنیع ترین شگردها و ابزارهای این حکومت برای تداوم حیاتش بوده است. در نقطه مقابل، مردم ایران با این حکومت میجنگند تا هویت انسانیشان را بازیابند. تا به زندگی شایسته انسان برسند. تا به رفاه، آزادی، امنیت، آرامش، تفریح برای همه دست بیابند. دختران و پسران چهارشنبه سوری و شام غریبان، معلمان و پرستاران معترض، کارگرانی که برای ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد مبارزه میکنند، آنهایی که فستیوال قابل تحسین آدم برفی در کردستان را راه انداختند، معترضین نساجی کردستان و فریدون کنار و ممسنی و ایذه، همه و همه دارند برای یک زندگی انسانی میجنگند. زندگی انسانی که در آن سهم انسان از زندگی به خاطر فقط انسان بودنش رفاه و آزادی و امنیت است. که در آن، آنهایی که در خوزستان به زبان عربی صحبت میکنند همانقدر انسانند و صاحب حقند که در آذربایجان به زبان ترکی و در تهران به زبان فارسی و در کردستان به زبان کردی و در هر جای دیگر به هر زبان دیگری تکلم میکنند. این مردم بارها دیده اند که فقر زده های اهل خوزستان و تهران در کنار هم برای فروش کلیه صف میکنند. دیده اند که بردگان جنسی جوان اهل ایران در امارات متحده عربی به زبانهای مختلف تکلم میکنند. دیده اند که کارگران خاتون

آباد و نساجی کردستان و مردم اهواز و ارومیه و سنندج و بانه و فریدون کنار با زبانهای مختلف اما علیه یک دشمن سیاسی صف کشیده اند. برای کسانی که در این سنگرها علیه یک حکومت سراپا تبعیض مبارزه میکنند مالیخولیای ناسیونال-شونیستی احزاب و گروههای قوم پرست ذره ای ارزش ندارد.

بی تردید جمهوری اسلامی از جوش و خروش جریانات ناسیونالیستی و قوم پرست خوشحال است. خوشحال است چون در تلاشهای ناسیونالیستی این اپوزیسیون، تضعیف قدرت اعتراض متحد مردم را سراغ میگیرد. خوشحال است چون میخواهد به هر طریقی جنبش سرنگونی طلبانه رو به گسترش مردم را منحرف کند. میخواهد به اعتراضات قدرتمند مردم علیه حکومت اسلامی با شکافهای قومی و ملی لطمه زند. مردم معترض علیه جمهوری اسلامی، مردمی که مصممند این حکومت را بریز بکشند، باید در مقابل تقلاهای قومپرستانه بایستند. به این خاطر که اولاً هدفشان رها شدن از هر گونه تبعیض از جمله تبعیض قومی و ملی است؛ ثانیاً برای رهایی از این تبعیضات باید از شر حکومت اسلامی رها شوند؛ و ثالثاً برای رهایی از شر حکومت اسلامی نباید اجازه دهند شکافهای ملی و قومی به صف متحد انسانیشان خدشه وارد کند. باید در مبارزه علیه نکت اسلامی با تمام قدرت صف متحد انسانیمان را متحدتر کنیم. باید اجازه ندهیم ارتجاع ناسیونال-شونیستی، ارتجاع قوم پرستانه کوچکترین خللی در مبارزه مان علیه ارتجاع اسلامی وارد کند. \*

عاملی است که بنوبه خود زمینه را برای رشد آرمانهای سکولاریستی و ضد قومی و ضد مذهبی در عراق فراهم میسازد. از مجموعه این عوامل باید سود جست و یک جنبش قدرتمند سکولار و آزادیخواهانه را برای خلاصی از شرایط سیاه حاضر و حول پرچم سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی در عراق سازمان داد. \*

وبی آبرو شده است و شرایط را برای شکل دادن به یک جنبش ضد جنگ با خواست خروج فوری نیروهای اشغالگر از عراق فراهم کرده است. در خود عراق نیز سازماندهی دانشجویان و کارگران و زنان و آزادیخواهان حول مدنیت و رفاه و آزادی و برابری زمینه وسیعی دارد. تجربه جمهوری اسلامی در ایران و جنبش چپ و انقلابی رو برشد مردم ایران علیه جمهوری اسلامی نیز

آمریکا و متحدینش و خلع سلاح همزمان نیروهای قومی و مذهبی محلی است. و این اهدافی است که میتوان و باید با اتکا به کارگران و مردم عراق، و با توسل به مردم و نهادهای کارگری و آزادیخواه و افکار عمومی مردم سراسر جهان به آن دست یافت. بخصوص در سطح جهانی سیاستهای میلیتاریستی آمریکا در میان بخش وسیعی از مردم کشورهای مختلف کاملاً رسوا

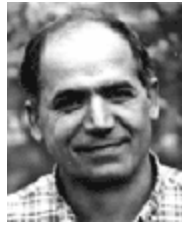


به رفقای کارگر در ماشین سازی اراک:

اقدام شورای اسلامی را محکوم کنید

و طومار کارگران کاشان برای حداقل دستمزد

۴۵۰ هزار تومان را امضا کنید



#### رفقای کارگر

از طرف شورای اسلامی ماشین سازی اراک اعلام شده است که سه هزار کارگر شاغل این کارخانه طوماری را خطاب به خاتمی امضا کرده اند که در آن از جمله گفته شده است در صورتیکه طرح تشبیت قیمت ها بطور واقعی اجرا شود، ما با حداقل دستمزد تعیین شده موافقیم. بعلاوه در این طومار به نظام جمهوری اسلامی اعلام وفاداری شده است. این ادعاها را شورای اسلامی به نام شما و با سوء استفاده از اسم شما صادر کرده است. در شرایطی که حداقل دستمزد تعیین شده حتی اگر قیمت ها کاملا ثابت بماند کوچکترین نیاز زندگی هیچکس را تامین نمیکند و سه بار از خط فقر اعلام شده توسط خود حکومت کمتر است، این ادعا که در صورت ثابت ماندن قیمت ها، حداقل دستمزد تعیین شده مورد قبول ما است یک خودشیرینی اسلامی برای حکومت مرتجع اسلامی است. هیچ کارگری این سطح بیشزمانه دستمزدها را نمیپذیرد. اقدام شورای اسلامی کارخانه ماشین سازی اراک در عین حال تلاشی ضدکارگری در مقابل حرکت درخشان کارگران کاشان است که سه هزار نفر از آنان در طوماری اعلام کردند که دستمزدهای کمتر از ۴۵۰ هزار تومان را نخواهند پذیرفت. این

اقدامی ضدکارگری در مقابل کارگرانی است که در مراکز مختلف مشغول جمع آوری طومار در همراهی با کارگران کاشان هستند. بعلاوه اعلام وفاداری به حکومت اسلامی، یکی از مرتجع ترین و ضدکارگرترین حکومت های سرمایه داری در جهان که زندگی دو نسل از مردم و بویژه طبقه کارگر را تباہ کرده است تنها کار مزدوران حکومت است.

#### رفقای کارگر ماشین سازی اراک

این ادعا امروز به اسم شما منتشر شده است و لازم است شما علنا به آن جواب دهید و اقدام شورای اسلامی این کارخانه را محکوم کنید. تشکیل مجمع عمومی بدهید و ضمن رد ادعای ضدکارگری شورای اسلامی و طرد آنها، طوماری در دفاع از خواست حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان جمع آوری کنید و آنرا در سراسر جامعه منتشر کنید. آنرا به همه رسانه ها و سایتها و از جمله به رادیو و تلویزیون انترناسیونال ارسال کنید تا از اینطریق قطعنامه شما به گوش کارگران در سراسر کشور برسد. امروز حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان یک خواست مهم و متحدکننده کارگران در سراسر کشور است. این خواست باید کارخانه به کارخانه و محله به محله به شکل

طومارهای بلندبالا توسط کارگران و معلمان و سایر حقوق بگیران زحمتکش اعلام شود و نسخه ای از آن برای وزارت کار و رئیس جمهور و سایر ادارات ذیربط دولتی ارسال شود. با امضای طومار کارگران کاشان برای حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان، پاسخ دندان شکنی هم به شورای اسلامی بدهید و توطئه ضدکارگری و کثیف آنها را به ضد خود کنید.

همینجا این نکته مهم را نیز تاکید میکنم که همسران کارگران ماشین سازی اراک میتوانند نقشی مهم در دفاع از حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان بازی کنند. کمیته ای برای حداقل دستمزد از میان خود سازمان دهند و کل مردم زحمتکش محلات شهر اراک را حول این خواست بسیج کنند. لازم است که کل خانواده های کارگری و همینطور معلمان، کارگران بیکار و جوانان جویای کار، جمع ها و کمیته هائی حول حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان تشکیل دهند، طومار جمع آوری کنند و توده هرچه وسیعتری را به گرد این خواست متحد کنند. این یک خواست مهم کارگران در اول مه امسال است. با تمام قوا حول آن متحد شویم. \*

## یا سوسیالیسم یا بربریت!

در اول مه پرچم آزادی و رفاه جامعه را برافرازیم!

سرمایه داری جهان را به قهقرا برده است. در جهانی که به لطف رشد غول آسای تکنولوژی و کار میلیاردها نفر غرق ثروت است، در جهانی که تامین آزادی و خوشبختی همگان مقدور است، بشریت کارگر و اکثریت عظیمی از مردم در ناامنی اقتصادی و بیکاری و فقر و بی تأمین دست و پا میزنند. بیحقوقی فرد در جامعه، ستمگشی زن، تروریسم و میلیتاریسم، اختناق و سرکوب سیاسی، جنگ و بیماری، گرسنگی و سوء تغذیه سهم بخش عمده ای از مردم در دنیای امروز است.

سرمایه داری از نقطه نظر سیاسی و ارزشهای اجتماعی نیز جهان را به قهقرا برده است. نه تنها دستاوردهای انقلابات کارگری و جنبشهای پیشرو را باز پس گرفته است، بلکه با انکار انسان و شهروند، هرچه بیشتر بطف ارزشهای مذهبی و ناسیونالیسم و قوم پرستی رجعت میکند و هویت جهانشمول و برابر شهروندان را زیر سوال برده است. سرمایه داری نظم نوینی بوش و بلر و شرکا، بربریتی است که در زوروق تکنولوژیک پیچیده شده و کابوس ناامنی اقتصادی و سیاسی، جنگ و تباہی، و عقبگردهای اجتماعی و فرهنگی عظیمی را بالای سر جامعه گرفته است.

کارگران، مردم آزادخواه!

این بربریت را نباید بپذیریم! این زندگی شایسته هیچ انسانی نیست! بشریت متمدنی که در ۱۵ فوریه علیه جنگ و میلیتاریسم بمیدان آمد، طبقه کارگری که علیه سیاست صرفه جوئی دولتها و نسخه فقیرتر شدن در فرانسه و ایتالیا و آلمان

مبارزه میکند، مردم پیشروی که آزادی و رفاه و عدالت را حق همگان میدانند، میتوانند و باید سد محکمی در مقابل این واپسگرایی ببندند. بورژوازی راه حلی برای برون رفت از این اوضاع ندارد، حتی وعده بهبود را هم نمیدهد. دخالت رادیکال و متشکل طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی کارگران به یک نیاز عاجل تبدیل شده است. باید به استقبال تشکیل صفبندیهای جهانی کارگری و تشکیل احزاب کمونیستی کارگری رفت. باید پرچم آلترناتیو سیاسی و اجتماعی کارگری را در مرکز این جدالها برافراشت. سازمان

دادن جامعه ای براساس تولید برای رفع نیاز شهروندان و تامین آزادی و رفاه همگان همین امروز میسر است. سوسیالیسم همین امروز قابل تحقق است و راه دیگری برای رهائی و آزادی و رفاه و عدالت در مقابل بشریت وجود ندارد. امروز نه فقط مبارزه برای رهائی از یوغ مالکیت خصوصی و کار مزدی، بلکه دفاع از دستاوردهای تاکتونی جوامع بشری و مقابله با موج قوم پرستی و مذهب و اسلام سیاسی و تروریسم و میلیتاریسم هم، به امر مستقیم جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر تبدیل شده است. بشریت خواهان آزادی و رفاه، امروز بیش از هر زمان به سوسیالیسم، نیاز دارد.

در اول مه با پرچم مارکس برای تغییر جهان، با پرچم آزادی و رفاه و سوسیالیسم به میدان بیاییم!

کارگران جهان متحد شوید!  
زنده باد انقلاب کارگری!  
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ آوریل ۲۰۰۵

## اطلاعیه مراسم یادبود منصور حکمت

روز شنبه دوم ژوئیه یاد منصور حکمت را گرامی میداریم

کمک های لازم را برای یافتن یک محل مناسب در اختیارشان قرار دهیم.

salgardinfo@yahoo.co.uk  
+۴۴ ۷۷۸۹۸۰۱۲۵۰

آذر ماجدی

۱۷ آوریل ۲۰۰۵

عموم خواهد رسید. بمنظور تسهیل شرکتتان در مراسم و انجام هر چه بهتر تدارکات لطفا شرکتتان را در مراسم هر چه سریعتر به ما اطلاع دهید. توصیه می کنیم دوستانی که احتیاج به محل اقامت در لندن دارند، سریعاً با ما تماس بگیرند تا بتوانیم

در این روز ابتدا در های گیت گرد می آئیم و سپس در سالتنی جمع میشویم. از همه دوستانار منصور حکمت دعوت میکنم که در مراسم یادبود این انسان عزیز و فراموش نشدنی شرکت کنند. جزئیات مربوط به ساعت و محل تجمع بعداً به اطلاع

### تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

### مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Center Frequency: 12608 MHz  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization: horizontal

## اطلاعیه نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

نشست دفتر سیاسی در تاریخ ۹ و ۱۱ آوریل ۲۰۰۵ با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی، حمید تقوایی، لیدر حزب و تعدادی از اعضای کمیته مرکزی بعنوان ناظر برگزار شد.

دستور جلسه این نشست عبارت بود از قراردایی درباره دفاع از حرمت و حریم خصوصی اعضای

حزب، موازین طرح و بررسی شکایت، حق عضویت، تاکید بر مصویات پلنوم دهم، تاکید بر فعالیت مالی که به اتفاق آراء به تصویب رسیدند و همچنین قرار در مورد کنگره فوق العاده که با اکثریت آراء تصویب شد. سپس در مورد تشکیل دولت جدید قومی - مذهبی در عراق و موقعیت این

کشور بحث شد. سیاست تشکیل یک دولت قومی - مذهبی در عراق بعنوان سیاستی در جهت تشدید بحران و از هم پاشیدگی جامعه عراق و تشدید تنش های قومی - مذهبی محکوم شد. دستور بعدی مساله مالی و مبرمیت پیشبرد پروژه هایی برای تقویت بنیه مالی حزب بود. تصمیم گرفته شد که

محاكمه سران رژیم اسلامی و جلوگیری از غارت اموال مردم توسط دفتر سیاسی به تصویب رسیده است.

**دفتر سیاسی**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۲۰ آوریل ۲۰۰۵

## قرار در دفاع از حرمت و حریم خصوصی اعضای حزب

دفاع از حرمت، شخصیت و حریم خصوصی افراد یکی از اصول پایه ای حزب کمونیست کارگری است.

از این رو:

۱- هیچ فرد و یا کمیته حزبی حق کنکاش در زندگی خصوصی افراد را ندارد. در صورت تخطی از این اصل و اعلام عمومی و علنی مسائل خصوصی زندگی افراد، فرد و یا کمیته مربوطه با اقدام شدید

انضباطی تشکیلاتی مواجه خواهد شد.

۲- مخالفت سیاسی، هر قدر با لحن تلخ و سرد و خصومت آمیز همراه باشد، تا وقتی سیاسی است، هیچ پاسخ و انتقاد تشکیلاتی را موجب نخواهد شد و نمیتواند مبنای شکایتی باشد. اگر کسی بنویسد فلان کمیته تا مقام حزب راست، چپ، رفرمیست،

ناسیونالیست و غیره است و باید برکنار شود و غیره، کار خلافی انجام نداده است و اقدام تشکیلاتی ابتدا موردی ندارد. اما اگر این برخوردها شامل اتهام مشخصی مبنی بر نقض اصول سیاسی و تشکیلاتی توسط کسی، عدم رعایت امانت سیاسی و مالی و اخلاقی، ارتکاب جرم و نظیر اینها باشد، برخورد جدی تشکیلاتی باید

صورت بگیرد.

۳- هیچ کس حق ندارد در پوشش بحث سیاسی به کسی یا مرجعی در حزب اتهام و افترا بزند. اگر اظهارات و نامه هایی به دست کمیته ای برسد که حاوی اتهام به افراد است، این اقدامات باید فوراً انجام بشود:

- به اتهام زننده رسماً ابلاغ شود که یا موارد اتهام را با ذکر دلیل به

اطلاع حزب برساند یا رسماً نامه و اظهارات خود را پس بگیرد و از اشخاص مربوطه در پیشگاه حزب عذرخواهی کند.

- نفس طرح اتهام، ولو با عذرخواهی بعدی، نقض اصول حزب است و باید مورد برخورد انضباطی قرار بگیرد.

**دفتر سیاسی**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۲۰ آوریل ۲۰۰۵

## قرار در مورد موازین طرح و بررسی شکایت از اعضا و مسئولین حزبی

۱- هر عضوی حق دارد از هر مسئول و یا عضوی به دلیل زیر پا گذاشتن ضوابط و مقررات و پرنسیپهای حزبی شکایت کند.

۲- انتقاد، مخالفت سیاسی با فرد و ارگانی و یا شیوه زندگی خصوصی اعضا، نمیتواند مبنای هیچ شکایتی باشد.

۳- فرد یا کمیته ای که از آن شکایت شده است، باید قبل از شروع بررسی شکایت، از کلیه دلایل و شواهد شاکی اطلاع کامل داشته باشد.

۴- در صورت ارائه شکایت از فرد یا کمیته ای به مجاری تشکیلاتی، کمیته بالاتر باید پس از

شنیدن روایت طرفین و بررسی فاکتها و اسناد تصمیم بگیرد.

۵- در طول مدت بررسی کسی یا کمیته ای حق نشر اتهامات و یا تبلیغات درونی و بیرونی پیرامون مساله را ندارد.

۶- فرد شاکی در صورت عدم رضایت از حکم صادر شده میتواند

تقاضای بررسی و بازبینی مجدد حکم از جانب کمیته مافوق را بنماید.

۷- دبیر کمیته مرکزی و هیات دبیران بالاترین مرجع رسیدگی به شکایات میباشد.

۸- دفتر سیاسی مرجع دریافت و رسیدگی به شکات از دبیر کمیته مرکزی و هیات دبیران است.

۹- در هیچ مرحله ای از بررسی شکایتها، فرد و یا افرادی که از آنها شکایت شده و یا شاکی هستند نمیتوانند در پروسه بررسی شکایت قرار داشته باشند.

**دفتر سیاسی**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۰ آوریل ۲۰۰۵

- نفس طرح اتهام، ولو با عذرخواهی بعدی، نقض اصول حزب است و باید مورد برخورد انضباطی قرار بگیرد.

- در صورت ارائه شکایت از فرد یا کمیته ای به مجاری تشکیلاتی، کمیته بالاتر باید پس از شنیدن روایت طرفین و بررسی فاکتها و اسناد تصمیم بگیرد. در طول مدت بررسی کسی حق نشر اتهامات و یا تبلیغات درونی و بیرونی پیرامون مساله را ندارد.

این اصول و ملاکها باید بویژه برای اعضای جدید حزب توضیح داده شوند تا همچنان در عین داشتن یک فضای امن و راحت درون حزبی حرمت و سلامت اعصاب همگی محفوظ بماند.

## بخشی از نامه دبیر شماره ۱

### منصور حکمت

بگیرد.

هیچ کس حق ندارد در پوشش بحث سیاسی به کسی یا مرجعی در حزب اتهام و افترا بزند. اگر اظهارات و نامه هایی به دست کمیته ای برسد که حاوی اتهام کنکرت به افراد است، این اقدامات باید فوراً انجام بشود:

- جلو نشر این نامه ها و اظهارات با سرعت و قاطعیت گرفته شود.

- به اتهام زننده رسماً ابلاغ شود که یا موارد اتهام را با ذکر دلیل در اختیار حزب بگذارد یا رسماً نامه و اظهارات خود را پس بگیرد و از اشخاص مربوطه در پیشگاه حزب عذرخواهی کند.

"مخالفت سیاسی، هر قدر با لحن تلخ و سرد و خصومت آمیز همراه باشد، تا وقتی سیاسی است، هیچ پاسخ تشکیلاتی نمیکند. اگر کسی بنویسد فلان کمیته یا مقام حزب راست، چپ، رفرمیست، ناسیونالیست و غیره است و باید برکنار شود و غیره، کار خلافی نکرده. باید پاسخ دهد. اما اقدام انضباطی موردی ندارد. اما اگر این برخوردها شامل اتهام مشخصی مبنی بر نقض اصول سیاسی و تشکیلاتی توسط کسی، عدم رعایت امانت سیاسی و مالی و اخلاقی، ارتکاب جرم و نظیر اینها باشد، برخورد جدی تشکیلاتی باید صورت

### قرار در تاکید بر مصویات پلنوم دهم

بمنظور مدرنیزه کردن و قوام بخشیدن به سازمان حزب، دفتر سیاسی بر اجرای قرارداهای تشکیلاتی مصوب پلنوم دهم حزب تاکید میکند و اجرای پیگیرانه و جامع این قرارها را در دستور حزب قرار میدهد.

قرار در تاکید بر فعالیت مالی. دفتر سیاسی بر ضرورت و عاجل بودن تامین در آمد برای حزب تاکید میکند و از همه کادرهای حزب میخواهد برای جمع آوری کمک مالی و کسب در آمد برای حزب در همه سطوح، از فعالیت روتین حوزه ها تا فاند ریزینگ، فعال و پیشقدم باشند.

**دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۱ آوریل ۲۰۰۵

### قرار در مورد کنگره فوق العاده

دبیر کمیته مرکزی حزب موظف است هر زمان اکثریت اعضای حزب (نصف بعلاوه يك) تقاضا کنند کنگره فوق العاده حزب را فوراً فراخواند و حداکثر در عرض سه ماه برگزار کند.

### قرار در مورد حق عضویت

همه اعضا و کادرهای حزب موظف به پرداخت منظم حق عضویت هستند. موارد استثنائی تنها با تقاضای کتبی عضو و یا کادری که قادر به پرداخت کامل و یا بخشی از مبلغ حق عضویت نیست و توافق و تایید کمیته تشکیلاتی مربوطه میتواند تعیین شود.

## "نه" به جمهوری اسلامی، "نه" به قوم پرستی! در اهواز و ماهشهر ۱۲ نفر توسط رژیم اسلامی کشته شدند

**"اهواز:** بنا به گزارشهایی که حزب کمونیست کارگری دریافت کرده است اعتراضات مردم در اهواز از روز چهارشنبه در محلات فقیرنشین خشایار، کوت عبدالله و شیلنگ آباد در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی و نبود برق شروع شد. روز پنجشنبه این محلات دست مردم افتاد و تا روز شنبه شاهد درگیریهای شدید بود. شعارهای مردم در این اجتماعات و درگیریها عمدتاً مرگ بر جمهوری اسلامی و علیه فقر بوده است. از عصر جمعه در این مناطق اطلاعیه ای به امضای ابطی رئیس دفتر خاتمی پخش میشود که در آن به مردم عرب زبان توهین شده و از سیاست پاکسازی قومی سخن میگویی. این اطلاعیه به برخی از محافل قوم پرست مجالی داد تا تلاش کنند شعارها و زوایه اعتراض مردم به رژیم اسلامی را رنگ قومی بزنند. جمهوری اسلامی ادعا میکند که این اطلاعیه جعلی است و آنرا تکذیب کرده است. در درگیریهای اهواز ۷ نفر کشته، بیش از ۲۰۰ زخمی و بیش از هزار نفر دستگیر شدند. در اهواز حکومت نظامی برقرار شده و اجتماع بیش از سه نفر مورد حمله نیروهای اطلاعاتی و سرکوبگر قرار میگردد.

**ماهشهر:** مردم محله فقیر نشین طالقانی (مشهور به کوره ها) از عصر یکشنبه و در حمایت از اعتراضات مردم اهواز دست به اعتراض زدند. اجتماع مردم این محله تدریجاً به طرف مرکز بخش قدیمی شهر کشیده شد که بدلیل مقابله نیروهای انتظامی درگیریها از ساعت ۸ شب شدت گرفت. مردم به بانکها و اماکن دولتی حمله کردند و دو بانک تجارت و سپه و پنج ماشین نیروهای رژیم را به آتش کشیدند. یک ماشین متعلق به وزارت اطلاعات، یک ماشین پلیس و ۱۱۰ و سه ماشین دیگر متعلق به نیروهای انتظامی بوده است. در

درگیری ماهشهر ۵ نفر توسط نیروهای سرکوبگر رژیم کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند. گفته میشود بخشی از نیروهای ویژه ضد شورش از تهران به محل اعزام شده بودند و به مردم شلیک میکردند. شعار اصلی مردم در این اجتماع مرگ بر جمهوری اسلامی بود. عده ای هم تلاش داشتند که با سردادن شعارهایی قومی مسیر اعتراض مردم را منحرف کنند.

**سریندر و حمیدیه:** اعتراض مردم سریندر که در بیست کیلومتری ماهشهر واقع است از بعد از ظهر یکشنبه شروع شد و به سرعت به درگیری با نیروهای رژیم اسلامی کشیده شد. درگیریها از ۸ شب تا ۳ صبح ادامه داشت. مردم متحدانه شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدادند. در سریندر حدود ۲۰ نفر دستگیر شدند. در شهر حمیدیه نیز، که در ۶۵ کیلومتری اهواز و ماهشهر واقع است، درگیریهای بین مردم و نیروهای رژیم صورت گرفته و ۲۵ نفر دستگیر شده اند.

تلویزیون الجزیره، محافل قوم پرست و فاشیست و رسانه هائی مانند بی بی سی تلاش زیادی کردند که این اعتراضات را هرچه بیشتر رنگ قومی بزنند و جنبه بحق اعتراض مردم به فقر و محرومیت و بیحقوقی را سانسور کنند. اما اعتراض مردم در اهواز اساساً به فقر و نبود آب و برق بود و شعارشان مرگ بر جمهوری اسلامی. اعتراض به فقر و خواستهای رفاهی مردم در خوزستان خواست اکثریت عظیم مردم ایران و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی شعار جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. اما مردم باید هوشیار باشند. اخیراً، چه از جانب رژیم اسلامی و چه از جانب جریانات قوم پرست، تلاش دارند که اعتراض و نفرت مردم از رژیم اسلامی را رنگ و قالب قومی بزنند. هدف رژیم اسلامی تفرقه انداختن در میان مردم، منحرف کردن مبارزه مردم و

**مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد آزادی و برابری!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۸ آوریل ۲۰۰۵ - ۲۹ فروردین ۱۳۸۴

## قرار دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری

### محاکمه سران رژیم اسلامی و جلوگیری از غارت اموال مردم

خواهان مجازات اعدام و یا مجازات حبس ابد در مورد محکومین این دادگاهها نیست.

۵- حزب کمونیست کارگری در عین حال و تا زمانیکه رژیم اسلامی سرنگون نشده است خواهان محاکمه سران رژیم اسلامی در دادگاههای بین المللی است.

۶- تمامی اموال و ثروتهای منتقل شده توسط مسئولان رژیم اسلامی به خارج از کشور جزوی از سرمایه مردم ایران است و باید در فردای سرنگونی رژیم اسلامی به دولت منتخب مردم در ایران عودت داده شود. حزب کمونیست کارگری در عین حال خواهان منجمد شدن فوری این اموال و غیر قابل استفاده شدن این ثروتهای غارت شده در شرایط کنونی است.

۷- حزب کمونیست کارگری از هم اکنون خواهان جمع آوری اطلاعات شاکیان از سران و مقامات درجه اول رژیم اسلامی است. حزب از تمامی قربانیان رژیم اسلامی و مردم آزادیخواه میخواهد که اطلاعات خود را چه در زمینه نقش تکتک مسئولان رژیم در قتل و کشتار رژیم اسلامی و چه در زمینه غارت اموال مردم در اختیار نهادهای ذریع حزب در این زمینه قرار دهند.

۸- حزب کمونیست کارگری سیاستهای سازشکارانه و بند و بست های آن دسته از نیروهای اپوزیسیون را که خواهان فراری دادن سران رژیم از چنگال عدالت هستند، قاطعانه افشاء میکند.

**دفتر سیاسی  
حزب کمونیست کارگری ایران**

آوریل ۲۰۰۵

۱- رژیم جمهوری اسلامی در سراسری سقوط و سرنگونی قرار دارد. سرنگونی رژیم اسلامی محتوم است. این حکم مردم است. این واقعیت برای خود سران و مسئولان رژیم اسلامی نیز مسجل شده است.

۲- یکی از پی آمدهای آشکار شدن سرنوشت محتوم رژیم اسلامی تلاش بسیاری از سران رژیم برای فرار از چنگال عدالت و خارج کردن اموالی است که در این مدت از مردم غارت کرده اند. بسیاری از مسئولان رژیم از هم اکنون مبالغ هنگفتی را به بانکهای خارج از کشور منتقل کرده اند.

سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال این وضعیت به قرار زیر است:

۱- حزب کمونیست کارگری خواهان محاکمه عادلانه تمامی سران و مسئولان درجه اول رژیم و عناصر دست اندرکار در جنایت علیه مردم است. این افراد باید در دادگاههای صالحه و بر اساس پیشرفته ترین موازین شناخته شده بین المللی محاکمه شوند. این محاکمات علنی است و جهان باید شاهد کلیه جوانب روند محاکمه و اقامه دعوی مردم و شاکیان خصوصی از این افراد باشند.

۲- هدف از این محاکمات آشکار شدن جنایت مسئولان رژیم اسلامی علیه مردم ایران و تحقق عدالت است.

۳- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که هر درجه سرسختی در سنگر دفاع از رژیم اسلامی تنها باعث سنگین تر شدن پرونده قضایی این افراد خواهد شد.

۴- حزب کمونیست کارگری

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

از صفحه ۱

## بزرگترین تظاهرات

راهپیمائی وقتی آغاز شد که بیش از ۲۰۰۰ نفر در محل جمع شده بودند.

سخنرانان قبل از حرکت این جمعیت بزرگ به زبانهای فارسی و سوئدی در مورد سیاستهای فدراسیون، جهانشمولی حقوق انسان، دفاع دولتهای غربی و دولت سوئد از جمهوری اسلامی و ضرورت یک مبارزه متحدانه حرف می زدند و از همگان دعوت میکردند به این صف

اعتراضی بپیوندند. در مسیر صدها نفر از جوانان و مردم حاضر در محل به صفوف تظاهرکنندگان پیوسته و بسوی پارلمان حرکت کردند.

قبل از این میتینگ، نشست بیین نمایندگان

فدراسیون سراسری پناهندگان و انجمن افغانستانیها با نمایندگان دولت سوئد در محل پارلمان تشکیل شد. در این نشست بحث مفصلی در نقد سیاستهای دولت سوئد در مورد پناهندگان و ضرورت دادن اقامت فوری به تمام پناهندگان مخفی انجام شد. فشار این تظاهرات بزرگ روی نمایندگان دولت سوئد بخوبی قابل مشاهده بود.

در مسیر حرکت این کاروان

پناهندگان ایرانی و انجمن افغانستانیهای مقیم سوئد که سازمان دهند و فراخوان دهنده این حرکت بودند اعلام شده بود تظاهرات از ساعت دوازده و نیم ظهر از میدان سرگل استکهلم شروع میشود.

این همایش بزرگ در ادامه دو ماه تلاش بی وقفه فدراسیون در سوئد و چند تحصن و تظاهرات در شهرهای مختلف سوئد بود و تدارک آن از دو ماه قبل آغاز شده بود.

ساعت ۱۲ ظهر در میدان سرگل چند صد نفر مردمی که در دسته های بزرگ و کوچک وارد این محل شده و آماده حرکت بطرف پارلمان سوئد بودند، جمع شده بودند. کودکان که صورتهای خود را رنگ کرده بودند، بادکنکهای در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود حقوق کودکان را به رسمیت بشناسید، زندگی بهتر حق ما است، کودکان مبتلا به آپاتی و کودکان فراری از کشورهای ایران، عراق، افغانستان و ایتویپی و... باید فوراً حق اقامت بگیرند.

ساعت دوازده و نیم حرکت به سوی پارلمان آغاز شد. پلاکاردهای متعددی در دست تظاهرکنندگان در مورد حق اقامت برای همه پناهجویان مخفی، پذیرش زنان پناهجو از کشورهای اسلام زده و پلاکاردهای متعددی علیه سیاستهای دولت سوئد دیده میشد. این پلاکاردها توجه وسیعی را بخود جلب کرده بود.



مینا احدی

بزرگ، جمعیت منظم شعار میداد و پخش آهنگ های "زندگی زندگی است" و آهنگ زیبا و مشهور "تصور کن" از جان لنون شور و حال زیادی به تظاهرات داده بود و تظاهرکنندگان با



کاریکاتوری که تظاهرکنندگان حمل میکردند!

دست زدن و شعار دادن ابراز احساسات میکردند.

در مقابل پارلمان سوئد نمایندگان پنج حزب پارلمانی سوئد سخنرانی کردند. از طرف سازمان دهندگان این تظاهرات مینا احدی، اسماعیل مولودی، کیمیا پازوکی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری و نسیم سحر در سخنرانیهای خود بشدت رفتار غیر انسانی دولت سوئد در

قبال پناهجویان را مورد انتقاد قرار داده و خواهان پاسخ مثبت به خواستهای پناهجویان که به شکل یک قطعنامه تنظیم شده بود شدند.

در طول روزهای گذشته رسانه های متعدد فارسی زبان سوئد بارها و بارها در مورد این تظاهرات صحبت کرده بودند و یک روزنامه پرتیراژ استکهلم برتره ای از کیمیا پازوکی مسئول فدراسیون در استکهلم درج کرده بود. در طول راهپیمائی نیز دهها رسانه سوئدی و فارسی زبان و نیز خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش تهیه میکردند و مصاحبه های متعددی با مسئولین این حرکت انجام دادند.

در این اجتماع همچنین قطعنامه ای در محکومیت احکام اعدام در ایران و مجازات

اعدام به تصویب رسید و تظاهرات کنندگان خواهان لغو فوری حکم اعدام حجت زمانی و کبریا رحمانپور شدند و جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

تظاهرات امروز در استکهلم که بزرگترین تظاهرات علیه سیاست های ضدپناهندگی دولت سوئد بود، سازماندهی حرفه ای آن، مذاکراتی که با اعتماد بنفس و محکم و مستدل با نمایندگان دولت انجام شد

همه و همه اعتماد به آینده و پیروزی را در بین حاضرین و همه کسانی که این خبر را شنیدند دامن زد و تعداد قابل توجهی را به عضویت در صفوف فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کشاند. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بار دیگر قابلیت و ظرفیت خود را در دفاع از حق پناهندگی، در دفاع از آزادی و انسانیت و در دفاع از حرمت هزاران پناهنده ای که از ایران و سایر کشورها فرار کرده اند نشان داد. تظاهرات باشکوه امروز نشانه ای از محبوبیت گسترده فدراسیون در میان پناهندگان و مهاجرین ایرانی بود.

حرکت قدرتمند امروز در عین حال به دولت سوئد نیز نشان داد که ما کوتاه نمیائیم و ظرفیت سازماندهی و بسیج گسترده پناهندگان ایرانی، افغانی و عراقی و... را داریم. دولت سوئد بیش از پیش متوجه ظرفیت این سازمان و عزم و اراده آن شد.

همینجا به کلیه پناهندگان ایرانی، افغانستانی و عراقی و... که در این اجتماع بزرگ شرکت داشتند خسته نباشید میگویم و همه مردم آزاده را به عضویت در فدراسیون که سابقه درخشانی در دفاع از حقوق پناهندگان در سراسر جهان دارد فرامیخوانم. به عضویت فدراسیون درآئید تا با قدرت هرچه بیشتر و با توان سازمانی هرچه وسیعتر به جنگ سیاست های ضدپناهندگی دولت سوئد و سایر دولتهای غربی برویم.

## مینا احدی

۲۱ آوریل ۲۰۰۵

افشاگری و ادامه حضور کادرهای حزب در سالن کنفرانس شود اما کادرهای حزب علیه جمهوری اسلامی شعار دادند، بنر آزادی برابری حکومت کارگری با آرم حزب را بر سر دست گرفتند و اعلامیه ای به زبان آلمانی در میان حاضرین داخل سالن توزیع کردند.

تظاهرات امروز در فرانکفورت و صحبت سخنرانان مورد توجه بسیاری از مردم قرار گرفت و اعلامیه های زیادی بین مردم پخش گردید. این تظاهرات به مدت سه ساعت ادامه یافت و در برخی رسانه های فارسی زبان از جمله رادیو فردا منعکس گردید.

## تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان

اعضای کمیته آلمان حزب نیز چندین بار به زبان آلمانی علیه مداخلات دولت آلمان با جمهوری اسلامی و تریبون دادن به مقامات این حکومت سخنرانی کرد.

در داخل سالنی که مذاکره مقامات جمهوری اسلامی و مقامات دولت محلی "هسن" آلمان شرکت داشتند دو نفر از کادرهای حزب کمونیست کارگری ژیا حق گو و امیر محسنی که به داخل کنفرانس رفته بودند از جا برخاستند و دست به افشاگری علیه حکومت اسلامی زدند. پلیس گارد کنفرانس تلاش کرد مانع

## تظاهرات حزب کمونیست کارگری در مقابل کنفرانس مقامات جمهوری اسلامی و دولت آلمان

حکومت دارند مبارزه میکنند و دولت آلمان میخواهد این رژیم را از



انزوا بیرون بکشد. محمد شکوهی از

صدام و طالبان هستند و باید در دادگاه بین المللی محاکمه شوند.

مردم ایران حمایت دولت آلمان از حکومت جنایت و سرکوب و فقر را نخواهند بخشید. نازی پروموند دبیر تشکیلات آلمان حزب در سخنرانی خود گفت هم اکنون که این کنفرانس جریان دارد چندین زن و مرد زیر حکم سنگسار و اعدام قرار دارند. مردم ایران برای سرنوشتی

امروز پنجشنبه ۲۱ آوریل در شهر فرانکفورت آلمان تظاهراتی به فراخوان تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران در اعتراض به برپائی کنفرانسی که در آن سفیر، رئیس اطاق بازرگانی و تعداد دیگری از مقامات حکومت اسلامی شرکت داشتند برپا شد. در این تظاهرات که بیش از ۱۲۰ نفر در آن شرکت داشتند کاظم نیکخواه دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری به زبانهای فارسی و انگلیسی سخنرانی کرد و گفت اینها که در این کنفرانس شرکت دارند از مقامات حکومت جنایتکاری از نوع رژیم پینوشه و